



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(2): 243-250

Received: 23-02-2020

Accepted: 25-03-2020

حقوق مالی همسر در پرتو فقه اسلامی

ضیا الدین انصاری

خلاصه

چون بررسی حقوق مالی همسر از جمله حکم نفقه زوجه در پرتو فقه اسلامی عنوان تحقیقی است که برای بیان و تحلیل آن به آیات قرآنی، احادیث نبوی و نظریات فقهای اسلام تمسک جسته شده، احکام و مسایل مربوط به حکم نفقه زوجه در پرتو آیات، احادیث و آرای فقها مورد بحث قرار گرفته است و شامل موضوعاتی از قبیل تعریف نفقه، دلایل مشروعیت حکم نفقه زوجه، اسباب وجوب نفقه، شروط استحقاق نفقه زوجه، انواع و کیفیت نفقه، امتناع زوج از انفاق بر زوجه، طلب تفریق در عدم انفاق، تیرئه از نفقه و نفقه زوجه معتده میباشد. مواد این تحقیق، از کتابهای معتبر فقهی جمع آوری گردیده، تحلیل شده است.

مقدمه

نفقه زوجه از جمله حقوقی است که شریعت اسلامی به پرداخت، صیانت و حفظ آن توجه جدی نموده است و شوهران را به این موضوع مکلف گردانیده است. اسلام عزیز زنان را تکریم کرده و برای آنها دینوع حق قابل شده، حقوق مادی و حقوق معنوی و آن چه به امورمادی مربوط است عبارت از مهر و نفقه و آن چه به امور معنوی وابسته است همانا حسن سلوک و معاشرت نیک با آنها است. دین مقدس اسلام بر شوهران مراعات حقوق و معاشرت نیک با زنان را فرض گردانیده است. گفته های فوق شاهد بر آن است. دین مقدس اسلام زنان را اکرام نموده و حقوق معتبره آن را معنوی و مادی برای آنها قابل شده است. یکی از آنها حقتنفقه است. نفقه زوجه یکی از حقوق اساسی و شرعی بالای مرد به شمار میرود.

نفقه یکی از موضوعاتی است که دارای اهمیت و ارزش خانواده گی و اقتصادی میباشد بنابراین ایجاب آن را میکند که به عنوان موضوع مستقل مورد بحث و بررسی قرار گیرد از ناحیه دیگر افرادی یافت میشوند که علیه حق نفقه به سهل انگاری و عدم پرداخت آن مبادرت میورزند. و از آنجا که شریعت اسلامی شریعت جاویدان بوده و تمام مسایل مربوط به زنده گی انسان را از آغاز تا انتها احتوا مینماید باید حکم اعتدال بر اینگونه حقوق وکیفر های شرعی آن از نظر شریعت اسلامی توضیح شود.

هدف از تحقیق

پیرامون حقوق مالی همسر در فقه اسلامی، تشریح و تبیین نفقه زوجه در فقه اسلامی است، در این مقاله تلاش شده است تا توضیح و تشریح شود. پیرامون حقوق که اعضای خانواده در قبال خانواده دارند بخصوص نفقه زوجه که یکی از وجایب شوهران در قبال همسران ایشان می باشد.

تعریف نفقه

نفقه یک واژه عربی بوده از لحاظ لغت عرب اسم مصدر نَفَقَ از باب دَخَلَ يَدْخُلُ (به فتح عین کلمه در ماضی و به ضم آن در مضارع) خوانده میشود و جمع آن نفاق است مثل رقبه و رقاب، در لغت بمعانی متعدد استعمال شده است، اینک شرح آن قرار زیر بیان میشود.

نفقه از کلمه (نَفَقَ) آنگاه به فتح نون، فا و قاف به خوانش گرفته شود به معنای مردن، فوت کردن، نیست شدن و سپری شدن میباشد چنانچه در این قول آمده است: «نَفَقَتِ الدَّابَّةُ یعنی حیوان فوت کرد (3: ج8 ص657).

Corresponding Author:

ضیا الدین انصاری

عضو کادر علمی دبیرتمنت تفسیر و حدیث، پوهنچی تعلیمات اسلامی، پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی کابل

و همچنان بمعنی رواج یافتن و رونق پیدا کردن نیز استعمال شده است چنانچه اعراب گویند: «**نَفَقَتِ السُّوقُ** برپای شد بازار و رواج گردید و بارونق گشت (1: ج2 ص2078).

و همچنان نفقه بمعنی خرج و مصرف کردن نیز آمده است مثل این قول الله متعال: **﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ﴾** [البقرة: 270]. آنچه از نفقه خرج کردید یا نذری که انجام دادید خدا آن را میداند.

همچنان در زبان عربی گفته میشود: **نَفَقَ الشَّيْءُ** یعنی شیء مصرف شد و یا **نَفَقَتِ البضاعةُ** کالا بفروش رسید و یا **نَفَقَتِ الدراهمُ** پولها خرج شدند و **نَفَقَ ماله و درهمه** مال و درهم خویش را مصرف کرد (3: ج8 ص656).

صاحب فرهنگ عربی المنجد میگوید: نفقه راه باریک در زمین یا تونل به شکل سوراخ موش صحرايي را نیز میگویند مانند **نَفَقَ اليربوعُ** یعنی موش صحرايي از سوراخ خود بیرون رفت (12: ج2 ص2079).

و نیز شاهد در این قول الله بی نیاز (فإن استطعت أن تبغني نفقا في الأرض أو سلما في السماء) [انعام: 35]. بتوانی نقبی (سوراخی) در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی.

نفقه در اصطلاح فقها: فقهای احناف نفقه را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند: (وهي ما ينفقه الانسان على عياله وتشمل الطعام والكسوة والسكنى وغيرها من ضروريات الحياة) (14: ج2 ص236).

و آن عبارت از چیزی است که انسان بر عیال خویش خرج میکند که شامل طعام، لباس، مسکن و مانند آن اشیایی که از ضروریات زندگی باشد.

فقهای مالکیه نفقه را اینگونه تعریف نموده اند: (فهو اخراج شخص مونه من تجب عليه نفقه من خبز و ادم و كسوة و مسكن وما يتبع ذلك) (7: ج4 ص485). عبارت از ادای حقوق کسانی است پرداخت نفقه آنها که شامل طعام، لباس، مسکن و آنچه تابع آن است بالای شخص واجب میباشد.

حکم مشروعیت نفقه

اسلام دین فطرت و آئین رهگشای بشریت است، در تمام نواحی زندگی انسان ها آموزه های ارزشمند و بخصوص خود را دارد، بنابراین زمانیکه عقد ازدواج میان زوجین منعقد گردید بر اساس مقتضی آن بعضی حقوق واجبه بر زوجین تعلق میگیرد که از جمله آن حقوق، یکی هم حق نفقه زوجه بالای زوج میباشد و حکمت مشروعیت پرداخت آن اینست که زن به اساس مقتضی عقد زناشویی در خانه باقی میماند و کاملاً به شوهر خویش اختصاص پیدا میکند و حق تمتع، لذت جویی و بهره وری شوهر به وی تعلق میگیرد و کاملاً در اختیار اوست و بر او واجب میشود که از فرمان شوهرش اطاعت کند، در منزل او اقامت گزیند، کارهای خانه را رویاراه کند و فرزندان را تربیت، پرورش و نگهداری نماید. بناءً در اجرای این امور، وی در خانه محتسب شده پس در مقابل احتیاس وی بر شوهر واجب است تا زمانی که پیوند زناشویی میان شان برقرار است کفاف زنده گی و نیازمندیهای وی را تأمین نماید که در این صورت بدین اصل کلی عمل میشود (کل من احتبس لحق غیره و منفعته، فنفعته علی من احتبس لاجله) (10: ج3 ص64).

هرکس بخاطر حق کسی باز داشته شود و بِنفع او، او را باز دارند، پس نفقه و هزینه او بر آنکس است که بخاطر وی او را باز داشته اند.

حکم تکلیفی نفقه: فقهای کرام اتفاق نظر دارند که نفقه زوجه، والدین و اقارب خاصه بالای شوهر، پدر و یا سید واجب میباشد. نفقه بر اساس کتاب الله، سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اجماع امت ثابت شده است که ذیلاً دلایل هریک را ذکر میکنیم.

قرآن کریم: الله متعال میفرماید: **(الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)** [النساء: 34].

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاق هایی که از اموالشان (در مورد زنان) میکنند.

و نیز قول الله متعال: **(وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ)** [البقرة 233].

و بر آنکس که فرزند برای او متولد شده [پدر] لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته.

سنت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: **(تطعمها اذا طعمت و تكسوها اذا اكتسيت ولا تضرب الوجه ولا تقبح ولا تهجر الا في البيت)** (1: ص2142).

حق زن بر شما آنست که هرگاه خود خوراک خوردی به وی نیز خوراک دهی و هرگاه لباس برای خود تهیه کردی برای وی نیز لباس تهیه نمایی و هیچگاه بر چهره وی زنی و وی را ناسزا نگویی و او را ترک نکنی مگر در منزل یعنی (اگر پیش آمد که او را ترک کنی و یا تهنیت نمایی) تنها در منزل چنین کاری را بکن و نباید دیگران از آن اطلاع داشته باشند.

اجماع: اهل علم همه اتفاق الرأی دارند که نفقه والدین، زوجه و اولاد بالای پدر واجب است (2: ج9 ص231).

انواع نفقه

نفقه بر دو قسم است:

اول) نفقه واجبی: آنست که انسان بر نفس خویش و وقتی قادر بر آن باشد انفاق نماید. به اساس این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم که میفرماید: **(ابدا بنفسک ثم بمن تعول)** (15: ج6 ص321).

نفقه نمودن را از نفست آغاز کن سپس بر کسانی که تحت تکفل تو هستند.

دوم) نفقه غیر عبارت از نفقه است که بالای انسان، مثل نفقه زوجه، اولاد، والدین، اقارب و ذوالارحام واجب میباشد که سبب وجوب نفقه این افراد ذیلاً بیان میشود.

اسباب وجوب نفقه

جمهور فقهاء اتفاق نظر دارند که اسباب وجوب نفقه سه است و به این اسباب سه گانه پرداخت نفقه واجب میشود (18: ج41 ص34).

1- زوجیت: وقتی عقد زناشویی میان زن و شوهر به اساس عقد صحیح ثابت شد نفقه زوجه بالای زوج واجب میشود که در بحث نفقه زوجه روی آن مفصلاً بحث میشود.

2-قرابت-خاصه: نفقه اقارب (خاصه) نیز بالای شخص واجب میباشد مثل نفقه پدر، مادر، پدرکلان، مادرکلان، کاکا، ماما، عمه وخاله که در مبحث نفقه اقارب شرح حال آنها به شکل مفصل بیان میشود.

3-ملکیت: نفقه مملوک (واجبی) نیز شامل آنچه تابع انسان است مثل نفقه غلام، حیوان، نبات، زرع و زمین زراعتی میباشد وجمهور علما ترک زمین مزروع، زرع ودرخت را بدون آب دادن ودور وارضی را بدون تعمیر واصلاح کردن مکروه میدانند(۹:ج7ص721).

حکم نفقه زوجه

به اتفاق همه فقهای اسلامی نفقه زوجه، حق اصیل از حقوق واجبه زوجه بالای زوج به سبب عقد ازدواج میباشد(4:ج3ص321).

از اینرو، همه فقهای کرام براین امر متفق القول اند که نفقه زوجه (مسلمه وکافره) به نکاح صحیح بر شوهر واجب میباشد؛ مگر اینکه در ازدواج آنها فساد آشکار شود(۹:ج7ص743).

وجوب نفقه زوجه به اساس آیات قرآنکریم، سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم، اجماع امت و عقلاً، ثابت شده است که دلایل هریک را ذیلاً ذکر میکنیم.

قرآنکریم: به اساس قول الله تعالی: (لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرْ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكْفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا) [الطلاق: 7].

آنانی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند.

و نیز این قول الله تعالی: (وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) [البقره: 233].

و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر] لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته.

و همچنان قول الله سبحانه وتعالی: (أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجُوْدِكُمْ) [الطلاق: 6].

آنها { زنان مطلقه } را هر جا که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید.

در این آیه مبارکه امر به اسکان امر به انفاق نیز میباشد؛ زیرا زوجه نفقه حاصل کرده نمیتواند مگر به خروج واکتساب(۹:ج7ص743).

سنت: در حدیث حجة الوداع از جابر رضی الله عنه روایت است که نبی علیه الصلوة والسلام فرمودند: (اتقوا الله في النساء فانهن عوان عندكم اخذتموهن بامانة الله واستحلتم فروجهن بكلمة الله و لهن عليكم رزقهن وکسوتهن بالمعروف) (1۵:ج2:ص889).

از الله جل جلاله در باره زنان پروا دارید؛ زیرا آنها نزد شما اسیر اند (تحت کفالت و عیالداري شما اند) و به امانت الله جل جلاله آنها را اخذ کردید و نفس هایشان به کلام الله جل جلاله برای شما حلال شده است غذا ولباس آنها بالای شما بطور شایسته واجب است.

و همچنان از ابن عمر بن الاحوص روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

(الا ان لكم على نسانكم حقا ولنسانكم عليكم حقا فاما حقكم على نسانكم فلا يوطنن فرشكم من تکرهون ولا يادن فی بیوتکم لمن تکرهون الا وحقهن علیکم ان تحسنوا لیهن فی کسوتهن وطعامهن) (6:ج۲ ص ۳۱۵).

آگاه باشید شما بر همسرانتان حق دارید و همسران تان نیز بالای شما حق دارند، حق شما بر ایشان اینست که بشما خیانت ناموسی نکنند و کسی را که دوست ندارید اجازه ورود به خانه را ندهند و آگاه باشید حق ایشان بر شما اینست که خوراک و پوشاک آنها را به نیکویی و شایسته گی بپردازید.

و نیز امام بخاری و امام مسلم از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت کرده اند که هند رضی الله عنها دختر عتبه خانم ابو سفیان نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا ابوسفیان شخص خسیس و تنگ چشم است و نفقه من و اولادهايم را به شکل شایسته که کفایت ما را نماید نمیدهد مگر چیزی که بدون اطلاع اومیگیرم پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: (خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف) (5:ج9ص507).

چیزی که کفایت تو و اولادهايت را میکند (آنگونه که شایسته است برابر عرف و عادت) از مال وی بردارید و هزینه کنید.

و از معاویه قشیری روایت شده که گفت: به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتم ای رسول خدا حق زن بر ما چیست؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (تطعمها اذا طعمت و تکسوها اذا اکتسیت ولا تضرب الوجه ولا تقبح ولا تهجر الا فی البیت) (1۱:ص2142).

حق زن بر شما آنست که هرگاه خود خوراک خوردی بوی نیز خوراک دهی و هرگاه لباس برای خود تهیه کردی برای وی نیز لباس تهیه نمایی و هیچگاه به چهره وی نزنی و وی را ناسزا نگویی و او را ترک نکنی مگر در منزل یعنی (اگر پیش آمد که او را ترک کنی و یا تهنیت نمایی) تنها در منزل چنین کاری را بکن و نباید دیگران اطلاع داشته باشند.

اجماع: ابن قدامه رحمه الله گفته است که اهل علم اتفاق نظر دارند بر اینکه نفقه زوجه بر عهده زوج بالغ واجب می باشد که به زوج خویش تمکین نماید و وی را بدون عذر شرعی از نفس خویش مانع نشود و راه نشوز و نافرمانی را پیشه خویش نسازد(2:ج9ص231).

و همچنان ابن المنذر میگوید: اهل علم همه بر وجوب نفقه زوجه بالای زوج بالغ اتفاق الرأی دارند مگر اینکه زوجه ناشزه باشد(2:ج9ص231).

دلیل عقلی: آنچه عقلا در این مورد دانسته میشود اینست که زوجه بخاطر منافع زوج در خانه وی محبوس شده و ممنوع التصرف از اکتساب میباشد بناءً نفقه وی بالای زوج واجب میشود چنانچه بالای امام مسلمین واجب است تا از بیت المال نفقه اهل نفیر و مجاهدین را بپردازد بخاطری که آنها نفس های خویش را وقف این راه نموده اند و نیز نفقه جزای احتیاس است و کسی که بخاطر حق شخصی باز داشته شود نفقه وی بالای همان شخص است به خاطر عدم فراغت وی برای بر آورده

حاجات وی بالای زوج از قبیل غذا ، لباس ومسکن واجب میشود (2:ج9ص230).

ساختن حاجات نفسش قیاسا به قاضی ، والی وعاملین صدقات(16:ج4ص16).

شروط استحقاق نفقه زوجه

برای اینکه نفقه زوجه بر عهده زوج واجب شود شروط وجوب آن نزد جمهور فقها چهار چیز میباشد.

1- عقد ازدواج آنها به صورت صحیح ومعتبر از نظر شرع صورت گرفته باشد اگر عقد ازدواج آنها فاسد باشد بر بالای زوج پرداخت نفقه واجب نیست ؛ زیرا مقتضی عقد فاسد فسخ آن است وبر زوجین واجب است که بمنظور جلوگیری از فساد فوراً از هم جدا شوند(4:ج4ص196).

ابن عابدین میگوید:بالای زوج مسلمان نفقه در عقد فاسد بخاطر انعدام سبب وجوب آن واجب نیست (1:ج2ص644).

2- تمکین تامه زوجه وسپردن نفس خویش برای زوج برابر است که تسلیم نفس باشد و یا اظهار استعداد برای تسلیم نفس بشرطی که در وقت خواست زوج ، زوجه ویا ولی وی مانع زوج نشود، اگر زوجه نفس خویش را از زوج مانع میشود بروی انفاق لازم نمیباشد ؛ اما اگر امتناع وی برحق باشد مثل عدم پرداخت مهر ویا عدم تهیه مسکن وشوابع سفر طویل را نیز اضافه نموده اند پس درتمام اینصورت ها برای وی نفقه لازم است (9:ج7ص745).

3- زن کبیره باشد جمهور فقهای مذاهب (احناف،شوابع وحنابله) برای استحقاق نفقه شرط گذاشته اند اینکه زوجه کبیره بوده وتوانایی برخوردار زناشویی و همبستری را داشته باشد ونفس خود را بدون عذر شرعی از شوهر مانع نشود پس اگر زن صغیره بوده وهمبستری با وی ممکن نباشد برای وی تا زمانی که توانایی آن را پیدا نماید نفقه نیست؛ زیرا نفقه درمقابل تمکین واستمتاع است واین شرط تا هنوز در زوجه صغیره متحقق نشده است واین گروه فقها به فعل نبی علیه السلام استدلال کرده اند زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم با عایشه رضی الله عنها ازدواج کرد بعد از دو سال باوی زفاف کرد وتنها وقتی نفقه وی را داد که باوی زفاف نمود ونفقه گذشته اورا نداد (17:ج9ص58).

4- زن ناشزه ونافرمان نباشد: زوجه حقوق شرعی متعلق به زوج را آنچه شرع وی را در مورد شوهر مکلف ساخته عمل نماید وراه نافرمانی و نشوز را بدون مسبوغ شرعی پیشه نگیرد درآنصورت نفقه وی بالای شوهر واجب است (9:ج7ص746).

زوجاتی که نفقه آنها واجب نبوده و ساقط میشود

بعضی زوجاتی اند که نفقه آنها بالای زوج واجب نبوده وساقط میشود به اساس تفصیل ذیل نزد فقها.

1- نشوز : نشوزنافرمانی زوجه است زوج را از آنچه به سبب عقد ازدواج بالای وی واجب شده است ونفقه از عهده زوج به نشوز زوجه ساقط میشود و مواردی که نشوز اعتبار شده وباعت اسقاط نفقه زوجه میشوند ذیلا تحریر یافته است.

الف: ممانعت همبستری از طرف زوجه: اگر زوجه بدون عذر شرعی نفس خویش را اززوج مانع میشود حتی اگر به ممانعت لمس ازجانب زوجه باشد(الحاقا به مقدمات همبستری) نفقه وی از عهده زوج ساقط میشود ؛ زیرا نفقه در مقابل استمتاع است ؛

سبب وجوب نفقه زوجه نزد فقهای کرام

فقهای کرام درمورد سبب وجوب نفقه زوجه اختلاف الرأی دارند که ذیلاً آرا ودلائل هریک از آنها را نقل میکنیم.

احناف: فقهای مذهب حنفیه سبب وجوب نفقه زوجه را جزای احتیاس وی در خانه زوج به سبب عقد ازدواج صحیح میدانند؛ زیرا حبس حق زوج به سبب عقد ازدواج بالای زوجه است ونیز زوجه ممنوع از تکسب است وکسی که به خاطر شخص ویا کفایت وی حبس شود کفایت وی بالای آن شخص است که بخاطر وی حبس شده است ونیز بخاطر عدم فراغت زوجه برای برآوردن حاجت نفسش مثل قاضی، والی وعاملین صدقات(4:ج4ص192).

ودلیل آنها عموم این قول الله متعال است:(لینفق ذوسعته من سعته)[طلاق:7].

آنانی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند.

الله متعال در این آیه مبارکه انفاق برآنها را بدون تقید بوقت امر فرموده است پس این امر بروجوب انفاق آنها حین عقد دلالت دارد (18:ج41ص36).

وهمچنان قول پیامبر صلی الله علیه وسلم:(ولهن علیکم رزقهن وکسوتهن بالمعروف)(15:ج2ص889).

غذا ولباس آنها بالای شما بطور شایسته واجب است. این حدیث مبارک بیان گر آنست که انفاق ایشان از حین عقد واجب است(18:ج41ص36).

جمهور:جمهور فقهای مذاهب مالکیه ،حنابله وامام ابویوسف رحمهم الله سبب وجوب نفقه زوجه را تمکین تامه زوجه برای زوج بعد از عقد ازدواج صحیح آنها میدانند(2:ج9ص230).

مستندین این قول به حدیث عایشه رضی الله عنها استناد میکنند زمانی که پیامبرصلی الله علیه وسلم با وی ازدواج کرد وی شش سال سن داشت وتا زمانی که با او زفاف نکرد نفقه برای وی تعیین ننمود(15:ج2ص1038).

این حدیث مبارک دال بر آنست که سبب وجوب نفقه مطلق عقد نه بلکه تمکین تامه زوجه برای زوج نیز میباشد پس اگرنفقه حق وی میبود دقیقاً نبی علیه السلام بر ایشان انفاق میکرد واین خود دلالت بر عدم وجوب آن میکند(13:ج3ص435).

ودلیل دیگرجمهور فقها اینست که مهر به عوض عقد است پس نفقه عوض آن نمیشود ؛ زیرا دوعوض در مقابل یک عوض نمی آید و نیز گفته اند نفقه مال مجهول است ومال مجهول در مقابل عقد نماید پس این قول دلالت بر آن دارد که نفقه محض در مقابل عقد نیست بلکه به تمکین تامه زوجه نیز مرتبط میباشد از ناحیه دیگر نفقه در مقابل استمتاع واجب میشود وقتی تسلیم آمد نفقه نیز در مقابل آن می آید مثل بایع وقتی مبعیه را تسلیم کرد برمشتری تسلیم ثمن واجب میشود(13:ج3ص435).

شوابع: فقهای مذهب شافعیه معتقدند که نفقه بر اساس عقد واجب وبه تمکین استقرار میابد. این قدامه در کتاب خویش المعنی میگوید:زمانی زوجه به شکلی که بالای وی واجب است نفس خویش را برای زوج تسلیم کرد در آنصورت جمیع

اما اگر عذری در زوجه به سبب زخم ویا التهاب حاد در شرمگاهش موجود باشد و با همبستری برای وی ضرر وارد شود در اینصورت نفقه وی ازعهده زوج ساقط نمیشود (۹:ج۷ص۷۳۶).

ب : خروج زوجه از خانه زوج: اگر زوجه بدون اذن زوج سفر میکند ویا بدون اذن زوج برای حج احرام می بندد ویا بدون عذر شرعی از خانه وی خارج میشود همه اینها نشوز هستند و اگر خروج وی ضرورتاً و عذراً مثل تخریب خانه و فروپاشی آن ویا بخاطر عیادت و زیارت والدین باشد در اینصورت خروج وی تعذراً است و نشوز محسوب نمیشود (۹:ج۷ص۷۳۶).

ج: ممانعت زوجه نفسش را از زوج به سبب عبادات : اگر زوجه زوج خویش را بسبب صوم قضایی ویا نفلی از نفس خویش مانع میشود نفقه وی ازعهده زوج ساقط میشود ؛ زیرا وی تمکین تام را بسبب آنچه بر وی واجب نیست مانع میشود و اگر نفس خویش را بسبب صوم رمضان ویا قضایی از جهتی که وقت برای وی ضیق است از زوج مانع میشود نفقه وی ساقط نمیشود ؛ زیرا آنچه مربوط به شرع است زوج در زمان آن حق دخالت را ندارد و اگر نفس خویش را بسبب بجا آوردن صوم قضایی بدون آنکه وقت آن برایش ضیق باشد ویا بسبب صوم کفاره ویا نذر مانع شود نفقه وی از ذمه زوج ساقط میشود ؛ زیرا زوجه زوج را از حقیقت مانع شده است و آن حق زوج علی الفور واجب است ؛ اما بجا آوری آن (روزه قضایی) علی الفور نیست. و اگر زوجه زوج خویش را بسبب بجا آوری نماز از نفس خویش مانع میشود اگر نماز های پنجگانه ویا سنن مرتبه بود نفقه اش ساقط نمیشود ؛ زیرا آنچه مترتب به اساس شرع است زوج در زمان آن حق دخالت را ندارد و اگر قضای فوائت باشد نفقه وی ساقط میشود ؛ زیرا انجام آن به تراخی نیز میشود ؛ اما ادای حق زوج علی الفور واجب است (۹:ج۷ص۷۳۶).

زمانی که نفقه زوجه ازعهده زوج بسبب نشوز وی ساقط شود ؛ اما بعداً زوج را اطاعت کرد واز نشوز خویش عدول نمود و زوج حاضر بود نفقه وی بالای شوهر بمجرد رجوعش واجب میشود و احناف گفته اند: نفقه بی که به سبب مرگ و نشوز ساقط میشود نفقه مفروضه است نه نفقه استداننت (۹:ج۷ص۷۳۶).

2- بنزد فقهای احناف نفقه بر زنانی واجب نیست که بین آنها و شوهران ایشان بسبب معصیتی از طرف زوجه فرقت آمده باشد مثل زنا، رده و تقبیل ابن زوج به شهوت ؛ زیرا زوجه خودش نفس خویش را بسبب عصیان از نفقه مانع شده است وناشره بحساب میرود و شوهر میتواند از تهیه امکانات زنده گی وی خوداری نماید (1:ج۳ص۵۷۵).

3- گذشت زمان بدون حکم قضای و رضایت جانبین: به نزد فقهای احناف نفقه زوجه به گذشت زمان از ذمه زوج خارج میشود ؛ اما به گذشت زمان بعد از قضای قضای ساقط نمیشود و به ذمه زوج دین به حساب میرود باقی ائمه مذاهب و مالکیه میگویند : نفقه زوجه اگرچه بدون قضای قضای هم باشد به گذشت زمان ساقط نمیشود (۹:ج۷ص۷۳۵).

4- ابرا از نفقه ماضی : نفقه زمان گذشته به ابرا دادن ویا بخشش زوجه از ذمه زوج ساقط میشود (4:ج۳ص۳۳۲).

5- رده : وقتی زوجه مرتد شود نفقه وی از دوش شوهر ساقط میشود بخاطر خروج وی از اسلام و امتناع استمتاع زوج از وی بسبب مرتد شدن وی پس اگر به اسلام رجوع کرد نفقه وی به مجرد رجوعش بر زوج واجب میشود (۱۶:ج۴ص۲۲).

6- خانم مطلقه بی که عده وضع حمل را گذرانیده و طفل را بدنيا آورده نفقه اش از آن به بعد بر مرد واجب نیست؛ اما چنانچه کودکش را شیر بدهد میتواند حق شیر دادن بچه را از شوهرش در خواست نماید (۹:ج۷ص۷۳۸).

7- فوت یکی از زوجین: هرگاه زوج قبل از اعطا نفقه وفات نماید زوجه حق ندارد تا نفقه خویش را از مال وی اخذ نماید و اگر زوجه فوت نماید ورثه اش حق ندارد تا نفقه وی را از زوج مطالبه نمایند و اگر زوج فوت کرد و نفقه زوجه اش را از قبل پرداخته بود ورثه زوج آن را استرداد کرده نمیتواند این قول امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمهما الله است (۹:ج۷ص۷۳۶).

8- به نزد فقهای مذهب شوافع نفقه به اساس نشوز، صغر، خروج به عبادت غیر مفروضه ، روزه و اعتکاف (مستحبه) بدون اجازه شوهر و به زوجه معتده باینه غیرحامله واجب نمیشود (۱۷:ج۹ص۵۸).

9- از دیدگاه فقهای مذهب حنابله نفقه زوجه زمانی ساقط میشود که نفس خویش را به زوج خویش تسلیم نکند ویا صغیر باشد که توانایی همبستری را نداشته باشد و نیز اگر بدون اجازه شوهر سفر کند ویا از منزل وی خارج شود ناشره محسوب میشود (2:ج۹ص۲۵۶).

مسائل مربوطه بر شروط و وجوب نفقه زوجه

حکم نفقه زوجه عامله: وقتی زوجه در بیرون از خانه کار میکند برابر است که شب باشد ویا روز مثل داکتر، معلم، نرس، صانع و... اگر بخروج وی از خانه زوج راضی باشد و وی را از کارکردن مانع نشود در آنصورت نفقه وی بالای شوهر واجب میباشد ؛ زیرا احتیاس زوجه حق زوج است و زوج میتواند از آن تنازل نماید و اگر شوهر به کارکردن زن در بیرون از خانه راضی نباشد و وی را از خارج شدن از خانه مانع شود ؛ اما زن بدون اذن زوج خویش خارج شود در آنصورت نفقه وی از ذمه زوج ساقط میشود ؛ زیرا احتیاس در این حالت ناقص بوده و خروج زوجه در این صورت نشوز اعتبار میشود و اگر زوجه نفس خویش را شبانه به زوج تسلیم نماید و روز مانع شود ویا عکس آن در اینصورت بخاطر نقص تسلیم از طرف زوجه برای وی نفقه نیست (1:ج۲ص۸۹۱).

و اگر زوجه در وقت عقد شرط گذاشته باشد که زوج بعد از عقد وی را از کار کردن مانع نشود در مورد وفا به آن شرط فقها آرا و نظریات اختلافی دارند که آرای آنها ذیلا نقل میشود .

احناف : فقهای مذهب حنفیه عقد را صحیح میدانند و چنین شرط را ملغاً قرار میدهند و زوج حق دارد تا زوجه خویش را از کار کردن در بیرون از خانه مانع شود و اگر زوجه به کار کردن استمرار ورزد نفقه وی ازعهده زوج ساقط میشود (۹:ج۷ص۷۴۹).

شوافع : بنزد فقهای شوافع، استحقاق نفقه تمکین تامه زوجه است نه مطلق عقد ، و خروج از خانه زوج بدون اجازه وی

نشوز بشمار میرود برابر است که خروج وی برای عبادت حج و یا امر دیگری باشد و نشوز نفقه آنها را ساقط میکند بخاطر انجام ندادن آنچه بر آنها واجب است و اگر بر همبستری تمکین نماید؛ اما از سایر استمتاعات ابا و رزق نشوز محسوب میشود (۹: ج ۷ ص ۷۴۹).

مالکيه: فقهای مذهب مالکيه چنین شرط را صحیح؛ اما مکروه میدانند و وفا کردن به این شرط را لازم نمیدانند و زوج حق دارد تا ویرا را از کار کردن در بیرون از خانه مانع شود و اگر زوج را استجابت نکرد نفقه وی ساقط میشود (۹: ج ۷ ص ۷۴۹).

حنابله: فقهای مذهب حنابله چنین شرط را صحیح دانسته و وفا نمودن به آنرا واجب میدانند و زوج حق ندارد تا زوجه را از کار کردن مانع شود و اگر مانع شد زوجه ناشزه محسوب نمیشود (۹: ج ۷ ص ۷۴۰).

حکم نفقه زوجه مریضه

به اتفاق عموم فقهای مذاهب اسلامی نفقه زوجه مریضه بالای زوج واجب میباشد برابر است که مریضی وی قبل از زفاف بعد از آن و یا در هنگام زفاف بوده و یا مریضی وی قبل از آمدن به خانه زوج باشد در تمام اینصورت ها نفقه وی بالای شوهر واجب است؛ زیرا شرط وجوب نفقه که تسلیم و تمکین تامه زوجه برای زوج است تحقق یافته و مرض یک امر عارضی است مثل (حیض و نفاس) و زوجه در آن دخالت ندارد و همچنین از حسن معاشرت نیست که این امر عارضی سبب سقوط نفقه زوجه شود اگر چه همبستری بخاطر مرض باوی متعذر باشد (۱۶: ج ۴ ص ۱۹).

همچنان فقها میگویند: وقتی زوج با زوجه خویش زفاف نمود و وی تندرست بود و بعداً زوجه مریض شد استمتاع زوج از وی قطع نمیشود؛ زیرا زوج با او انس میگیرد و یا وی را لمس میکند و زوجه خانه را حفظ میکند و نیز از جانب زوج تفریطی در حق زوج صورت نگرفته و احتباس نیز قایم بجای خودش است و مرض یک امر عارضی است که مانع نفقه نمیشود (۲: ج ۳ ص ۴۳۷).

و اگر وی در خانه اهل خویش مریض شود نفقه وی ساقط نمیشود مگر اینکه زوج از وی طلب عودت به خانه خودش را نماید و وی استطاعت عودت را داشته اگر چه بوسیله محموله بی باشد؛ اما وی از آمدن امتناع ورزد ناشزه محسوب میشود و اگر زوجه برضایت زوج در خانه اهل خویش ایام بگذراند نفقه وی بالای زوج واجب است (۹: ج ۷ ص ۷۴۰).

زنی که مجرای عمل جنسی او مسدود باشد، یا لاغر اندام باشد و یا دارای عیبی باشد که مانع آمیزش جنسی گردد و باوجود آن شوهر نتواند باوی آمیزش کند این زن نیز حکم زوجه بیمار را دارد و پرداخت نفقه اش واجب است (۱۰: ج ۳ ص ۶۶).

حکم نفقه تداوی زن

جمهور فقهای متقدم ائمه مذاهب اربعه بر این امر اتفاق نظر دارند که اجرت طبیب، پول تداوی و ادویه زوجه بالای زوج واجب نمیشود (۱: ج ۲ ص ۸۸۹).

وجه استدلال آنها این قول الله متعال است: **(لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۗ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۗ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا)** [الطلاق: ۷].

آنانی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد.

وجه استدلال آنها این است که در این آیه مبارکه الله متعال نفقه را به شکل مستمر آن لازم کرده است و نفقه علاج تحت این آیه داخل نیست؛ زیرا آن، از امور عارضه است (۱۶: ج ۴ ص ۲۰).

دلیل دیگر آنها اینست اینکه خرید ادویه و اجرت طبیب برای اصلاح جسم است و اصلاح جسم زوجه بالای زوج واجب نیست (۲: ج ۹ ص ۲۳۵).

بنابراین در مورد تداوی زوجه فقهای متقدم میگویند: اگر زن مالدار باشد نفقه تداوی وی از پول خودش پرداخته میشود و اگر مالدار نباشد نفقه تداوی وی بالای کسی است که شرعا نفقه اش بر او واجب است؛ زیرا تداوی برای حفظ اصل جسم است و حفظ آن بالای صاحب منفعت واجب نیست مثل آباد کردن خانه بر بالای کرایه نشین لازم نیست بلکه بالای مالک خانه لازم است (۹: ج ۷ ص ۷۵۰).

این اجتهاد فقها بر عرف قایم در زمان و عصر خود آنها بود و در گذشته ها تداوی حاجت اساسی نبود و انسان غالباً به تداوی ضرورت پیدا نمیکرد؛ اما در این عصر و زمان تداوی مثل غذا و مسکن از حوائج اساسی بوده بلکه مهمتر از آن میباشد؛ زیرا مریض از همه چیز تداوی را ارجحیت میدهد و آیا ممکن است تناول وی در حالی که وی مریض است و از مرض شکایت میکند و از درد ها رنج میکشد و یا درد وی را به مرگ تهدید میکند و وجود وی را می آزارد؛ لهذا رأی فقهای متأخر بر اینست که تداوی زن از ضروریات الزامی بالای شوهر میباشد و آیا این از حسن معاشرت است که زوج در حال صحت زوجه از وی استمتاع حاصل نماید و در حال مریضی وی را رها نماید بناءً در این مورد قول مفتی به اساس مذهب مالکيه است که آنها نفقه و اجبه زوجه را غذا، لباس، مسکن و مصارف علاج و غیر ذالک و آنچه شرع بدان فیصله نموده است میدانند (۹: ج ۷ ص ۷۵۰).

امتناع زوجه از همبستری و یا رفتن به خانه زوج

وقتی زوجه زوج را از همبستری مانع میشود و یا به خانه زوج نمیرود برای وی نفقه نیست؛ اما اگر وی نفس خویش را از زوج مانع میشود تا زمانی که مهر معجل وی را نپرداخته و یا در مسکن وی خلل است و یا امور ضروری خانه موجود نیست و یا زن از همسایه ها انیت میشود و یا از کدام چیز مخیف و وجود افرادی که وی مساکنت با آنها را دوست ندارد و یا اینکه خوف ضرر از آنهاست در همه این موارد نفقه وی بالای شوهرش واجب میباشد؛ اما اگر زوجه زوج خویش را بدون عذر از همبستری مانع میشود و یا بدون عذر به خانه وی

نمی‌رود در اینصورت بروی نفقه لازم نمی‌باشد؛ زیرا وی ناشزه محسوب می‌شود (۹: ج ۷ ص ۷۵۱).

همچنان اگر زن خود را در اختیار شوهر قرار داد ولیکن زن آنقدر کوچک و کم سن و سال بود که عرفاً نمیشد با وی همبستری شود بنا بر رأی فقهای احناف، مالکیه و صحیح مذهب شافعیه پرداخت نفقه وی واجب نیست چون امکان برخورداری کامل جنسی تا هنوز از او بوجود نیامده پس استحقاق عوض آنرا که نفقه است ندارد و گویند: اگر زن خود را در اختیار شوهر قرار داد و زن بزرگ بود و شوهر کوچک قول صحیح آنست که نفقه زوجه واجب میشود چون امکان برخورداری جنسی از جانب زن کامل است و این شوهر است که نمیتواند از آن برخوردار گردد پس در اینصورت پرداخت نفقه وی واجب میشود همانگونه که اگر زن خود را تسلیم کند و شوهر بزرگ باشد ولی از زن بگریزد باز هم نفقه او واجب میشود (۱: ج ۳ ص ۶۶).

و اگر شوهر زن کم سن و سال و کوچک خود را بمنظور انس و الفت گرفتن در خانه خویش نگهداشت فتوای حنفیه (امام ابویوسف رحمه الله) اینست که نفقه وی بالای شوهر واجب میگردد چون شوهر خودش بدین عدم استیفای کامل خویش راضی شده است و اگر وی را در خانه خویش نگهداری ننماید نفقه اش واجب نمیشود (۱: ج ۳ ص ۶۶).

همچنان اگر زن خود را به شوهر تسلیم کرد و حال آنکه بگونه بی بیماری بود که مانع آمیزش با شوهرش میشد در اینصورت نفقه او بالای شوهر واجب میباشد چون حسن معاشرت زناشویی و رفتار نیکو و شایسته با زن را که خداوند جل جلاله بدان امر کرده است حکم نمی‌کند که موجب تضييع حق واجب او شود (۱: ج ۳ ص ۶۶).

حکم نفقه زوجه محبوسه

فقهای اسلامی در مورد نفقه زوجه ای که مدتی را محبوس بوده است اختلاف نظر دارند که آرای آنها ذیلاً بیان میشود.

قول اول) جمهور فقهای مذاهب (احناف، شوافع و حنابله) بر این امر متفق القول اند اینکه اگر زن به جهت جرمی که مرتکب شده است یا به جهت بده کاری و یا ظلماً محبوس و زندانی شود نفقه وی از دوش شوهر ساقط میشود؛ زیرا احتباس زوجه در خانه زوج که حق شوهر است در این صورت از بین می‌رود و اگر کسی زن را غضب کند و مانع وصلت بین زن و شوهر شود در مدت غضب نفقه زن بالای شوهر واجب نمیشود و اگر شوهر خود از او طلب کار باشد و او را زندانی کند نفقه وی از عهده زوج ساقط نمیشود چون شوهر خود مانع برخورداری خویش شده است و باید نفقه وی را بپردازد (۴: ج ۴ ص ۱۹۸).

قول دوم) مالکیه و امام ابویوسف رحمهم الله میگویند: برای وی نفقه است چون زوجه سبب و مانع از استمتاع و احتباس نشده و از جهت وی نیست؛ زیرا وی به سبب فقر و یا ظلماً محبوس شده نه به سبب جرم بناءً پرداخت نفقه وی واجب است (۸: ج ۲ ص ۵۱۷).

نتیجه

• دین مقدس اسلام برای زن حقوق مادی و معنوی را در نظر گرفته و معاشرت نیک با آن‌ها را بر مردان واجب نموده است.

- هیچ یکی از نظام های ماقبل از اسلام و قوانین موضعه غیر اسلامی جای قوانین روح بخش اسلام را گرفته و بآن رقابت کرده نمیتواند
- فقهای احناف نفقه را چنین تعریف نموده اند: نفقه عبارت از چیزی است که انسان به عیال خویش خرچ میکند که شامل طعام، لباس، مسکن و مانند آن اشیایی که از ضروریات زندگی می‌باشد.
- حکم مشروعیت نفقه توسط قرآن کریم، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و اجماع امت ثابت است.
- شرایط استحقاق نفقه زوجه را احناف عقد ازدواج، تمکین تامه زوجه، کبیره بودن زوجه و اطاعت و عدم نشوز می‌دانند.
- فقهای احناف میگویند که انواع نفقه شامل طعام، لباس، مسکن، خادم، تهیه اسباب و ندادوی می‌شود.
- فقهای حنفی اتفاق الرأی دارند که نفقه زوجه معتده رجعیه در ایام عدت از طعام، لباس و مسکن بر شوهر واجب است.

Abstract

The research method in this study is library research. The discussion of these issues has referred to valid juridical books. Since the topic is about the alimony of spouse in Hanafi jurisprudence, therefore, the verses of Quran, Hadiths of prophet, and Islamic beliefs of scholars were searched. The rules and issues related to alimony of spouse has been discussed based on the verses of Quran and scholar's beliefs which includes The definition of alimony, reasons for legitimation of alimony, the incumbency instruments for alimony, merit conditions of alimony, the kinds and quality of alimony, avoidance of alimony by spouse, asking for division in case of avoiding alimony, and clearance of alimony by spouse.

۱۷- فهرست مأخذ

قرآن کریم

1. ابن عابدین، محمد امین. (ب ت). ردالمختار. کراچی: سعید کمپنی.
2. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (1405 هـ). المغنی. بیروت: دارالفکر.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم الافریقی. (1428 هـ). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
4. ابن همام، محمد بن عبدالواحد الحنفی. (ب ت). فتح القدیر. پشاور: المكتبة الحقانیة.
5. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (ب ت). صحیح البخاری. کراچی: قدیمی کتب خانه.
6. ترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره. (ب ت).
7. الجامع الترمذی. قندهار: صداقت کتب خانه.
8. جزیری، عبدالرحمن. (ب ت). الفقه علی المذاهب الاربعه. کویته: مکتبه العلوم الدینیة.
9. دیر العدوی مالکی، ابوالبرکات احمد بن محمد. (ب ت). الشرح الکبیر علی مختصر خلیل. بیروت: دارالفکر.

10. زحيلي ، وهبة. (ب ت). الفقه الاسلامي و ادلته . پشاور: مكتبه حقانيه.
11. سابق ، سيد.(1417ق). فقه السنه. القاهرة: شركت المنار .
12. سجستاني ، سليمان بن اشعث . (ب ت). سنن ابي داود. پشاور: مكتبه حقانيه .
13. سياح ، احمد. (1387 هـ ش). المنجد. تهران :انتشارات اسلام.
14. شريبي شافعي ، خطيب. (ب ت). مغنى المحتاج الى معرفة الفاظ المنهاج. بيروت: دارالفكر.
15. طهماز، عبدالحميد محمود.(ب ت). الفقه الحنفى فى ثوبه الجديد. كويته: المكتبة الحقانيه.
16. قشيرى ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج النيشاپورى. (ب ت). صحيح المسلم. پاكستان – كراچى: قديمى كتب خانه.
17. كاسانى ، علاء الدين ابي بكر بن سعود . (ب ت). بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع. كويته: المكتبة الرشيدية .
18. نووى ، يحيى بن شرف. (1405 هـ). روضة الطالبين. بيروت: دارالكتب العلمية .
19. وزارة الاوقاف والشون الاسلاميه. 1995م. الموسوعة الفقهيه . الكويت: وزارة الاوقاف.